info@payamdaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

پیام آشنا

شماره ۱۵۱۸
یکشنبه / ۲۴ آذر / ۱۳۹۸
۱۸ / ربیع الثانی / ۱۴۴۱
15 / Dec/ 2019

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری
نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کانون گارشناسان، رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۵۳۸۳۸-۳۲۵۵۳۴۳۳-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۵۳۸۳۸
فکس اینترنتی پیام آشنا: ۰۲۱-۸۹۷۸۶۷۳۹
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۴۲/۴۶
چاپ: کارگر

کافه پیام

برای انعکاس نظرات و گلایه ها و پیشنهادات خود درباره مسائل البرز با پیام آشنا تماس بگیرید

۳۲۵۵۳۸۳۸
۳۲۵۴۱۴۹۵
۰۹۰۱۴۰۴۸۳۳۳

اخبار گردشگری

ثبت میراث صنعتی تهران در آثار ملی

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان تهران گفت: «سه پرونده میراث معاصر صنعتی، در فهرست ملی میراث صنعتی کشور ثبت شد.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی تهران، پرهام جافندان افزود: «این آثار شامل کارخانه دخانیات در خیابان قزوین، کارخانه مارگارین در شهرری و کارخانه زمزم در خیابان آزادی تهران است که پس از طرح در همایش ملی ثبت میراث در بندر ماهشهر واجد شرایط ثبت در فهرست آثار ملی شناخته شدند.»

جافندان گفت: «کارخانه‌ای که با تولید محصولات در چرخه اقتصادی کشور نقش دارد، می‌تواند در کنار فعالیت خود با داشتن یک کاربری فرهنگی مکمل نیز به همان اندازه در اقتصاد ملی سهیم باشد و برای حفظ میراث صنعتی نیازمند یک مشارکت و همدلی عمومی برای حفظ این داشته‌های فرهنگی تاریخی هستیم.»

بیمه؛ مشوقی برای خرید صنایع دستی

ما می‌توانیم به هنرمندان صنایع‌دستی، بیمه مسئولیت تضمین کیفیت را با قیمت پایین ارائه دهیم که تشویقی برای خرید محصولات آنها شود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از میراث آریا، محمد رضایی سرپرست بیمه ایران درباره راهکارهای بیمه محصولات صنایع‌دستی اظهار کرد: «اکنون شاید مهمترین مشکل آثار صنایع‌دستی در بخش کیفیت محصولات است. بیمه می‌تواند این موضوع را تضمین کند که محصول صنایع‌دستی دارای کیفیت است و اگر خسارتی بعد از تولید و در حین استفاده به آن وارد شود، بیمه خسارت آن را به مردم می‌دهد. این امر باعث می‌شود که بیشتر مردم راغب شوند که با اطمینان خاطر محصولات صنایع‌دستی را خریداری کنند.»

سرپرست بیمه ایران خاطرنشان کرد: «بیمه درمان این قشر، به‌طور استثنا گروهی است ولی ما قصد داریم این امتیاز را برای هنرمندان صنایع‌دستی قائل شویم که بیمه درمانی انفرادی و خانوادگی دریافت کنند و بیمه درمانی آنها دیگر به صورت گروهی نباشد.»

وی افزود: «همچنین می‌توانیم بیمه حادثه را نیز برای هنرمندان صنایع‌دستی ارائه دهیم تا اگر در حین کار مشکل یا آسیبی مثل نقص عضو اتفاق بیفتد، بیمه بتواند این خسارت را برای آنها جبران کند. از موارد دیگر بعضی از این رشته‌های هنری، ریسک بالای کار آنهاست که ما در بخش بیمه آتش‌سوزی و صعوبت نیز می‌توانیم به آنها کمک کنیم.»

حفاظت میراث صنعتی ابداعی

معاون میراث‌فرهنگی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گفت: «ایران، دارای تاریخی پیوسته است که در همه دوره‌های آن ابداعاتی وجود داشته است؛ میراث صنعتی نیز نوعی ابداع است که ما آنها را ثبت و سپس از آنها حفاظت می‌کنیم.»

به گزارش پیام آشنا به نقل از روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی خوزستان، محمدحسن طالبیان، در اختتامیه نخستین همایش ملی ثبت میراث صنعتی، با ابراز خرسندی از برگزاری این همایش به میزبانی بندر ماهشهر گفت: «این برای ما خیلی اهمیت دارد چرا که نشان‌دهنده این است که میراث فرهنگی فقط محدود به دوره‌های خاص نیست، بلکه به‌صورت پیوسته ابداعات بشری را از لحظاتی قبل تا انتهای تاریخ شامل می‌شود.

وی عنوان کرد: «وجود تپه‌های تاریخی مربوط به دوره‌های تاریخی نشان‌دهنده این است که خوزستان علاوه بر آثار صنعتی دارای ظرفیت‌های فراوانی نیز در حوزه‌های دیگر تاریخی است که بر همین اساس ما نیز باید تلاش کنیم تا پرونده‌های معماری، شهرسازی و بندرگاه‌های خلیج فارس تا دریای مکران را بررسی کنیم تا یک کار یکپارچه اتفاق بیفتد.»

معاون میراث‌فرهنگی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی با بیان اینکه هر چیزی که دارای جنبه نخبگی و ابداع باشد، میراث‌فرهنگی محسوب می‌شود، افزود: «این رویکرد علاوه بر ایران در فهرست‌های جهانی نیز وجود دارد تا جایی که در فهرست‌های جهانی، معماری مدرن و میراث صنعتی جایگاه ویژه‌ای یافته است.»

معاون میراث‌فرهنگی وزارت میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی اضافه کرد: «برگزاری چنین رویدادهایی در شهرستان‌ها، مردم این مناطق را نیز متوجه ارزش‌های معنوی، فرهنگی و تاریخی محل زندگی خود می‌کنند.»

۴۰۹۸ امروز با حافظ

ای خون بهای نافه چین خاک راه تو
خورشید سایه پرور طرف کلاه تو
نرگس کرشمه می‌برد از حد برون خرام
ای من فدای شیوه چشم سیاه تو

خوانش

شده نزدیک که هجران تو ما را بکشد
اشتیاق تو مرا سوخت، کجایی؟ باز آ

وحشی بافقی

اذان اوقات شرعی فردا

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۳۳	۰۷:۰۴	۱۲:۰۰	۱۶:۵۴	۱۷:۱۳

برگه

۱۰ درصد از زندگی‌تان وقایعی است که با آن روبه‌رو می‌شوید و ۹۰ درصد باقی‌مانده شیوه‌ی برخورد و پاسخ‌گویی به آن هاست.

لوهولتز

مقاله

مدیران بزرگ چگونه به افرادشان نقش‌های جدیدی می‌دهند؟

شرایط غیرقابل پیش‌بینی در دنیای کسب و کار امروز باعث شده تا تحولات شگرفی در رابطه بین کارمند و کارفرما به وجود آید. کارفرمایان به طور واقع‌بینانه‌ای از اهمیت فاکتور حساسیت و هوشیاری نسبت به کارمندان آگاهی یافته‌اند و این روند طی ۲۰ سال اخیر ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. با این همه، تفکر سنتی که مورد قبول اغلب مدیران است بر این اصل استوار شده که برای برانگیخته نگه داشتن کارمندان باید مدام، به آنها از تنگای مقام داد یا در نقش‌های مختلف و متفاوت به کار گرفت تا به این وسیله از یکنواختی و تکراری شدن کارها و نقش‌ها برای کارمندان جلوگیری کرد.

خود کارمندان نیز از تغییر پیاپی نقش‌ها استقبال کرده و آن را گامی در راستای پرباثر کردن روزمه کاری‌شان در نظر می‌گیرند. آنها فکر می‌کنند کارمندانی با رزومه‌های کامل‌تر و متنوع‌تر به شدت در معرض ربوده شدن توسط سایر شرکت‌ها، به ویژه شرکت‌های رقیب هستند و کارمندانی با طیف متنوع تجربیات، سوژه جذابی برای سایر شرکت‌ها هستند. به همین دلیل بسیاری از مدیران به این صرافت می‌افتند که با ارتقای کارمندان مجرب و توانمند و گمارد‌ن آنها در پست‌های مدیریتی، گامی مطمئن برای حفظ و نگهداری آنها بردارند.

مدیران بزرگ برخلاف مدیران معمولی و سنت‌گرا که بهترین راه انگیزه دادن به کارکنان توانمندشان را در ارتقا دادن به آنها می‌بینند و بس، به هیچ عنوان چنین نمی‌اندیشند چراکه معتقدند اگر چه تجربیات متنوع و فراوان، فاکتوری مهم برای هر کارمندی محسوب می‌شود اما جزو فاکتورهایی است که هر کارمندی باید از آن برخوردار باشد و به فرآیند خودشناسی کارمندان کمک زیادی می‌کند. برخی از مدیران بزرگ داستان‌هایی را تعریف کرده‌اند که نشان می‌دهد عامل محرک و شناخت کارکنان به سمت شغل و نقش جدید، چیزی جز همین خودشناسی و شناخت استعدادهای جدید خود نیست که باعث می‌شود افراد به سمت تصدی نقشی جدید گام بردارند نه اینکه تجربیات و توانمندی‌های خود را به رخ کارفرمایان و سایر شرکت‌ها کشیده و برای خود بازار گرمی کنند.

مدیران بزرگ به خوبی می‌دانند که اگر زمان آن فرا رسیده باشد که یک کارمند، شغل و نقش جدیدی را به عهده بگیرد در این نقش جدید، تنها یک ستاره فروزان وجود خواهد داشت و آن شخص کارمند است و مسئول کنترل شغل و نقش محسوب می‌شود. او باید در آینه بنگرد و انتخاب‌های درست را بر اساس آنچه کشف کرده، صورت دهد اما نقش مدیر در این میان چیست؟ به‌طور مسلم، در چنین وضعیتی، مدیر کسی نیست که از میان تمام متقاضیان، بهترین، باتجربه‌ترین و ماهرترین فرد را برگزیند. مدیران بزرگ بر این اعتقادند که وظیفه مدیران در قبال نقش‌های جدید کارکنان، نه یک نقش ایستا و منفعل، بلکه نقشی فعال و پویاست به این نحو که مدیر وضعیت زمین بازی کارکنان را تعیین می‌کند و با تشکیل شبکه‌ای ایمن از نقش‌ها، کارکنان با خیال راحت، قدم در راهی جدید می‌گذارند و این کار را به پشتوانه مدیران انجام می‌دهند. اینکه خلق قهرمانانی جدید، طراحی سطوح درجه‌بندی شده دستاورد‌ها و تدوین برنامه‌های گسترده پرداخت‌ها، همگی از اهمیت بسزایی در شرکت‌های امروز برخوردار است حکایت از آن دارد که همه این تکنیک‌ها در نهایت به شکل‌گیری و تثبیت محیط مساعدی منتهی می‌شود که در آن، پول و پرستیژ به‌طور یکنواخت در سطح شرکت‌ها و سازمان‌ها توزیع می‌شود و در چنین شرایطی است که کارمندان به این نتیجه می‌رسند که مسیرهای مختلفی برای دستیابی به پول و پرستیژ وجود دارد و نیازی به اصرار برای ارتقا با هدف کسب درآمد و پرستیژ کاری بیشتر نیست و این نگرش موجب بقای طولانی مدت کارمندان در پست و نقش کنونی و کارآمدی حداکثری آنان می‌شود و این است هنر مدیران بزرگ.

مترجم: سیدحسین علوی انگرودی

یادداشت

جشن صوفیانه بر مزار مولانا (بخش اول)

به گزارش پیام آشنا به نقل از شهر کتاب، دسامبر (۲۶ آذرماه) مصادف با سالگرد درگذشت مولانا جلال الدین محمد بلخی است. به همین مناسبت همه ساله مراسم «شب عرس» در کنار مقبره مولانا در قونیه و از سوی عارفان و اهل تصوف فرقه مولویه برگزار می‌شود. در آخرین شب این مراسم که شب سالگرد درگذشت مولانا است و به «شب عرس» مشهور است بعد از اجرای مراسم در مقبره مولانا، رقص سماع و موسیقی تصوف بر پا می‌شود. «شب عرس مولانا» در فرهنگ مردم آناتولی که از بیش از هفت قرن قبل پذیرای این عارف مهاجر شده‌اند به شب رجعت او به سوی معبود و معشوقش اطلاق می‌شود و با آیینهایی که از هفت قرن پیش همه ساله به طور مداوم در کنار تربت او برگزار می‌شود، همراه است. همچنین طبق باورهای عمومی مردم ترکیه که به شدت به سفر حج عشق می‌ورزند، اگر عدم تمکن مالی، امکان حضور در بیت خدا را برایشان میسر نسازد هفت بار زیارت تربت مولانا را معادل سفر حج می‌دانند و بدین طریق به عنوان حاجی، رعایت خصلتها و اعمال لازم برای یک حاجی را بر خود واجب می‌دانند. مقاله ذیل در نظر دارد نگاهی به آموزه‌های عرفانی، سماع و فرقه مولویه و جایگاه آنها در مراسم شب عرس بیاندازد.

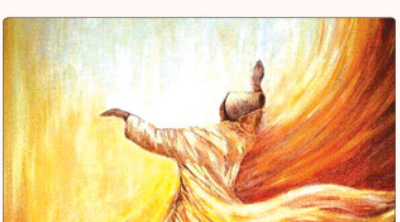

شب عرس در اصل در هند به مراسمی اطلاق می‌شد که برای تجلیل عارفان و حکیمان بزرگ برپا می‌کنند. در این مراسم که معمولا سه تا پنج روز طول می‌کشد چند نفر درباره مقام شامخ و شخصیت بزرگ کسی که به یاد اوجشن می‌گیرند سخنرانی می‌کنند وسپس گروه‌نوازندگان وقوالان به‌نوازندگی می‌پردازند و آواها و نواهای مذهبی اجرا می‌کنند. شاید بدین سبب باشد که در مراسم «شب عرس» که در آیین های سالمرگ مولاناو کنار مقبره مولانا در قونیه برگزار می‌شود مراسمی در قالب عزا و نوحه و ماتم دیده نمی‌شود بلکه آنها شب عرس را درواقع همان شب عروسی می‌پندارند و بر این باورند که عارف در چنین شبی به وصال خود می‌رسد بنابراین نباید برای کسی که در کنار محبوب خود آرام آرمیده به سوگ نشست لذا جشنی - البته آن جشنی که در میان توده عوام یاد می‌شود مقصود نیست- در خور مقام مولانا با ذکر بر اهل بیت (ع) برگزار می‌کنند. جلال الدین محمد در ششم ربیع الاول سال ۶۰۴ هجری در شهر بلخ تولد یافت. سیب شهرت او به رومی ومولانای روم، طول اقامتش و وفاتش در شهر قونیه ازیلاد روم بوده است. پس از مرگ بهاءالدین ولد، پدر مولانا، جلال الدین محمد که در آن هنگام بیست و چهار سال داشت بنا به وصیت پدرش و یا به خواهش سلطان علاءالدین کیقباد بر جای پدر بر مسند ارشاد نشست و متصدی شغل فتوی وامور شریعت گردید یکسال بعد برهان الدین محقق ترمذی که از مریدان پدرش بود به وی پیوست. جلال الدین دست ارادت به او داد و اسرار تصوف وعرفان را از او فرا گرفت. سپس به اشارت او به جانب شام وحلب عزیمت کرد تا درعلوم ظاهر ممارست نماید پس از مدتی تحصیل در حلب مولانا به دمشق رفت. مولانا پس از گذراندن مدتی درحلب و شام که گویا مجموع آن به هفت سال نمی‌رسد به اقامتگاه خود، قونیه بازگشت. خط سیر و سلوک مولانا وخط سیر حیات او تعبیری از تصوف بود اما این تصوف با آنکه از بسیاری جهات با آنچه در بین صوفیه عصر او هم رایج بود شباهت داشت از آنها جدا بود در حوصله هیچ سلسله‌ای نمی‌گنجید و با طریقه هیچیک از مشایخ عصر وآیین معمول در هیچ خانقاه زمانه انطباق پیدا نمی‌کرد.

مولانا نه قلندر بود، نه اهل چله نشینی و الزام ریاضت شاق بر مریدان بود نه مثل مشایخ مکتب ابن عربی طامات را با نصوص دفتری به هم می‌آمیخت. وسعت نظر مولانا بیش از آن بود که تصوف را به هیچ آداب و ترتیب خاصی محدود کند و دنیا را یک خانقاه بزرگ می‌شمرد که شیخ آن حق است و لو خود جز خادم این خانقاه نیست. آستین هایش را چنانکه خودش یکبار به یک تن از یارانش گفته بود، به همین جهت در مجالس سماع بالا می‌زد تا همه او را به چشم خادم بنگرند نه به چشم شیخ. این طرز تلقی از خانقاه عالم از خادم وقت که مولانا بود می‌خواست به تمام یاران خانقاه و ساکنان آن به چشم مهمان عزیز نظر کند، در عین حال از یاران وساکنان خانقاه که همه طالب خدمت و شایق صحبت یک شیخ واحد بودند طلب می‌کرد که هر جا می‌رسند در هر مقام و مرتبه که هستند، به هر قوم و هر امت که تعلق دارند در درون خانقاه به خاطر شیخ یکدیگر را به چشم برادر بنگرند. تفاوت در زبان وتفاوت در کیش را دستاویز تفوق جویی یا بهانه زیادت طلبی نسازند چون به هر حال همه طالبان یک مسیر و عاشقان یک مسیر بودند و اجازه ندهند اختلاف در نام و اختلاف در تعبیر در بین آنها مجوس را با مسلمان، یهود را با نصرانی و نصرانی را با مجوس به تنازع وادارد. نگذارند مسبب که لازمه برادری است در بین آنها به نفرت که جدامایه دشمنی است تبدیل شود. یا وجود معبود واحد، عباد و بلاد آنها به بهانه جنگهای صلیبی به نام ستیزه‌های قومی وکشمکشهای مربوط به باورگانی پامال تجاوزهای جبران ناپذیر گردد. در سال ۶۷۲ هجری پیکر مولانا به ناتوانی گرائید و در بستر بیماری افتاد و به تبی سوزان دچار گشت و هر چه طبیبان به مداوای او کوشیدند سودی نبخشید تا در روز پنجم ماه جمادی الاخر سال ۶۷۲ هجری روان پاکش از قالب تن به درآمد و جان به جان آفرین تسلیم کرد.

اهل قونیه از خرد و بزرگ در تشییع جنازه او حاضر شدند و حتی عیسویان و یهودیان در ماتم او شیون و افغان می‌کردند. شیخ صدرالدین قونوی بر مولانا نماز خواند و سپس جنازه او را برگرفته و با تجلیل بسیار در تربت مبارک بر سر گور پدرش بهاءالدین ولد به خاک سپردند. پس از وفات مولانا علم الدین قیصر که از بزرگان قونیه بود با مبلغی بالغ بر سی هزار درهم بر آن شد که بنائی عظیم بر سر تربت مولانا بسازد. معین الدوله سلیمان پروانه که از امیران زمان بود، او را به هشتاد هزار درهم نقد مساعدت کرد و پنجاه هزار دیگر به وی بخشید و بدین ترتیب تربت مبارک که آنرا «قبه خضراء» گویند بنا شد و علی الرسم پیوسته چند مثنوی خوان و قاری بر سر قبر مولانا بودند. مولانا در نزد پدرخود سلطان العلماء بهاءالدین ولد مدفون است و از خاندان و کسان وی بیش از پنجاه تن در آن بارگاه به خاک سپرده شده‌اند.

ادامه دارد...

بریده جراید

نویسنده‌ای حساس به بشریت

ایران: محمود حسینی‌زاد- امروز سالروز درگذشت «فریدریش دورنمات» سوئیسی است. نویسنده و نمایشنامه‌نویسی که نه تنها در چغرافیای آلمانی زبان، بلکه در عرصه جهانی هم موفق به کسب جایگاه مهمی شده است.

«فریدریش دورنمات» نویسنده بزرگی است که تا امروز چند اثری از او ترجمه کردم‌اع کتاب‌های «سوظن»، «فاضی» و «جلادش» و «قول» که در زمره نوشته‌های جنایی او به‌شمار می‌آیند. با آنکه از این نویسنده نمایشنامه‌های متعددی هم منتشر شده اما اگر بنا به صحبت درباره سلیقه شخصی خودم باشد رمان‌های او را به دیگر نوشته‌هایش ترجیح می‌دهم. دورنمات در عرصه ادبیات جنایی موفق به خلق پنج رمان شد که سه کتاب آن را بیشتر ترجمه کردم‌اع و ترجمه «عدالت» را هم به‌تازگی آغاز کردم‌اع.

رمان «عدالت» هم حال و هوایی مشابه دیگر نوشته‌های او دارد. منتهی اینجا شخصیت اصلی یک وکیل دادگستری ست که در پی دستیابی به عدالت، ماجرای قتلی را دنبال می‌کند. آن‌هایی که با نوشته‌های این نویسنده سوئیسی آشنا هستند می‌دانند که رمان‌های جنایی دورنمات شباهتی با آثار جنایی امریکایی ندارد.

علاوه براین، دورنمات نویسنده‌ای دغدغه‌مند در مسائلی ست که مرتبط با انسانیت، عدالت و همه ناراحتی‌هایی هستند که به نوعی گریبان بشریت را گرفته‌اند. او حتی به قدرت‌های سلطه گری که عدالت را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند هم توجه ویژه‌ای دارد. کافی است سری به مقدمه این سه کتابی که به اسامی آنها اشاره کردم بزنید تا با انگلت بیشتری درباره دورنمات آشنا شوید.

همان طور که آنجا هم نوشته‌ام در بتنج رمان جنایی دورنمات هیچ خبری از آن کارآگاه‌های جوان و اتوکشیده حاضر در نوشته‌های دیگر نویسندگان این سبک نیست. شخصیت‌های اصلی رمان‌های دورنمات اغلب کارآگاه‌های سن و سال دار و حتی رو به احتضار هستند.

با این حال، از نمایشنامه‌های او هم نمی‌توانم صرف نظر کنم چراکه این بخش از نوشته‌های او هم جایگاه مهمی در عرصه ادبیات نمایشی دارند؛ آنچنان که آثار او در چغرافیای آلمانی زبان «مهای خرتوئت برشت» از سوی چهره‌های مختلف به روی صحنه می‌روند.

از نمایشنامه‌های او که همچنان به روی صحنه تئاتر می‌روند که بگذریم، رمان‌های دورنمات هم در ادبیات جنایی از جمله آثار مهم او به‌شمار می‌آیند.

هومر قرن بیستم کیست؟

مهر- چندی است که دفاتر رایزنی فرهنگی ایران در برخی از کشورها اقدام به تهیه اخبار و همچنین مقالاتی درباره وضعیت فرهنگی، تاریخ تحولات فرهنگی و همچنین برخی از شخصیت‌های مهم فرهنگی، ادبی و هنری کشورهای محل ماموریت خود می‌کنند که اقدامی به جا و شایسته است. بویژه اینکه مخاطبان فارسی زبان از وضعیت فرهنگی و چهره‌های ادبی، بسیاری از این کشورها آشنایی چندانی ندارند و در بازار ادبیه، ایران نیز آثاری از این شخصیت‌ها منتشر نشده است. شایسته است که همه دفاتر رایزنی فرهنگی ایران در کشورهای مختلف جهان به تهیه چنین اخبار و گزارش‌هایی اقدام کنند.

بخش پژوهش‌های رایزنی فرهنگی ایران در قرقیزستان در تازه‌ترین گزارش ارسالی خود به خبرگزاری مهر به معرفی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های فرهنگی و ادبی این کشور پرداخته است که مخاطبان ایرانی شناخت چندانی از او ندارند و نام این شخصیت در رسانه‌های ایرانی نیز چندان مطرح نشده است. این گزارش مختصر را در ذیل بخوانید. امید است که این دفتر رایزنی بعدها ضمن معرفی مفصل‌تر این شخصیت نقدهایی را که روی او و آثارش نوشته‌اند به ایرانیان معرفی کند.

«سایاکیای قازالایف مافس خوان و هنرمند قرقیزستان در سال ۱۸۹۴ در روستای آق اولون استان ایسیک کول در خانواده فقیر چشم به جهان گشود. در قیام ۱۹۱۶ به چین قرار کرد اما در ۱۹۱۷ به میهن خود بازگشت. در ۱۹۱۸-۱۹۲۳ به گارد سرخ شوروی پیوست و در مبارزه با باسماچی‌ها در مناطق سیبری، آلمانی، عشق آباد و بخارا شرکت کرد. در سال‌های ۱۹۲۲-۱۹۳۱ مسئولیت شورای روستای مامان و ایردجل را بر عهده داشت. در ۱۹۳۰ به دعوت کمیساریای شورای بوروشی به شهر قرونزه آمد و در سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۵۴ در قیلامونی مشغول به کار شد.

وی عشق به مافاس خوانی را از مادرش که دوستدار قصه و شعر خوانی بود الهام گرفت و از ۱۹۱۸ خواندن مافاس را شروع کرد. در ۱۹۲۲ با چاپ مافاس خوان معروف آن زمان ملاوقات کـرد و مافاس خوانی را به طور حرفه‌ای یاد گرفت. از ۱۹۲۵ خواندن مافاس را به طور کامل شروع کرد و در ۱۹۲۲-۱۹۴۷ بر اساس مافاس خوانی سایاکیای «مافاس» (۸۴۵۱۳ بیت)، «سی می تی» (۳۱۶۱۵۷ بیت، «سی تیک» (۸۴۶۹۱۷ بیت) و ادامه «سی تیک» قسمت‌های کنن، علیم، ساریق و قولان، ساریق (۱۵۱۸۶ بیت) و کامل آثار او که ۵۰۰۵۵۳ بیت است، حفظ کرد.

وی علاوه بر حماسه مافاس حماسه‌های دیگری هم می‌خواند. بر اساس حماسه خوانی او حماسه «اوتوشتوق» به زبان‌های قرقیزی و روسی منتشر شده است. وی همچنین مؤلف «قصه افاب» (۱۹۵۴)، «پرزهایی که قرامولی نمی‌شود» (۱۹۵۴)، «پهلوان جولدوش» (۱۹۵۵)، «شکارچی تیمور» (۱۹۵۶)، «متاب‌هایی که توت کشید» (۱۹۵۸)، «پهلوان باقی تای» (۱۹۶۱) و «قازامات» (۱۹۶۲) است او را با لقب «هومر قرن بیستم» می‌شناسند.

وی در ۷ ماه می ۱۹۷۱ در شهر قرونزه درگذشت.

فهرست آثار سایاکیای قازالایف

۱. مافاس. جلد اول ۱۹۸۴. جلد دوم ۱۹۸۶.
۲. مافاس. بیشکک ۲۰۱۰. ۶۰۰ ص.
۳. سی می تی. قرونزه ۱۹۸۷. ۳۷۰ ص جلد اول قرونزه ۱۹۸۷. ۳۷۰ ص. جلد دوم ۱۹۸۹. ۴۴۴ ص.
۴. سینیک. ۱۹۹۱. ۳۵۲ ص.
۵. قصه قاتی گی. قرونزه ۱۹۴۹. ۱۰۸ ص.
۶. در گذشت مافاس. قرونزه ۱۹۴۰. ۶۴ ص.
۷. قرا امال داستان. بیشکک ۲۰۱۲. ۷۸ ص.
۸. پهلوانان. قسمت‌های حماسه. قرونزه ۱۹۸۸. ۵۴۰ ص.
۹. افاب. حکایات. قرونزه ۱۹۸۳. ۶۴ ص.
۱۰. دوره کودکی سی می تی. قرونزه ۱۹۷۰. ۶۷ ص.
۱۱. آر توشتوق. قرونزه ۱۹۶۹. ۲۳۱ ص چاپ دوم قرونزه ۱۹۸۰. ۲۳۴ ص.
۱۲. پهلوانان. خانه‌ها. قرونزه ۱۹۶۹. ۱۰۸ ص.
۱۳. پهلوان باقی تای. قرونزه ۱۹۶۱. ۸۵ ص.
۱۴. پهلوان ملاّ قرونزه ۱۹۶۰. ۱۱۰ ص.
۱۵. پهلوان دلدش. قصه. قرونزه ۱۹۵۷. ۸۸ ص.
۱۶. شکارچی تومور. قصه شعری. قرونزه ۱۹۵۷. ۷۵ ص.

خطر!

از ذخیره‌ی آب ایران
فقط، چند، قطره، باقیست.

من حامی کمپین «یک قطره آب» هستم.

از تمام خوانندگان پیام آشنا می خواهیم، یکی از مهم ترین مشکلاتی که در محله ی زندگی خود با آن دست به گریبان هستید برایمان پیامک کنید تا در ستون «پیامک های وارده» با نام تان-در صورت تمایل- منتشر شود.

SMS
۳۰۰۰۹۸۰۲۶۰۰۳۰